

رژه مشترک نیروهای مسلح گیلان به مناسبت سالروز آزادسازی خرمشهر

نشست مشترک مجازی مدیرعامل سازمان منطقه آزاد انزلی با مدیرکل منطقه ویژه اقتصادی اورنبورگ روسیه



سه شنبه ۳ خرداد ۱۴۰۱ | ۲۳ شوال ۱۴۴۳ | ۲۴ می ۲۰۲۲
سال بیست و چهارم | شماره ۵۹۹۳ | ۸ صفحه | تک شماره ۵۰۰۰ تومان

راه اندازی بخشی از خطوط شرکت صنایع پوشش رشت

سقف اجاره مسکن ۲۵ درصد اما تورم اجاره بیشتر از آن

نادری

گروه صنایع غذایی نادری | www.naderico.com

وضعیت نگران کننده ی فقر آموزشی

گیلان امروز- در سال ۹۹ طبق داده‌های پایگاه رفاه ایرانیان، ۳۱درصد از بچه‌ها در مدرسه از خانواده‌های فقیر بودند که برخی از استان‌ها وضعیت خیلی بدی داشتند. به طور مثال در استان سیستان و بلوچستان ۶۱درصد از دانش‌آموزان از خانواده‌های فقیر هستند. پیروزرهای، کارشناس دفتر مطالعات رفاه اجتماعی، در نشست فقر چند بعدی و سیاست‌های فقرزدایی با موضوع فقر آموزشی با ارائه‌ی تصویری از فقر فعلی آموزشی در ایران گفت: دو شاخص دسترسی آموزشی و دستیابی تحصیلی در تعریف ما از فقر آموزشی باید مورد قرار بگیرد. دسترسی آموزشی به معنای دسترسی به مدرسه است و دستیابی تحصیلی معطوف به کیفیت آموزشی است. وی گفت: یکی از شاخص‌هایی که در زمینه سطح دسترسی به مدرسه باید مورد توجه قرار بگیرد، نرخ پاسوادی و تفکیک افراد به دو دسته پاسواد و بی‌پاسواد است. نرخ پاسوادی افراد در سال ۹۹ براساس گزارش سازمان امور استخدامی کشور برای متوسط کل کشور ۸۷.۶درصد است که این درصد نسبت به متوسط جهانی رقم خوبی است. به گزارش ایلنا، پیروزرهای در ادامه گفت: شاخص بعدی بازماندگی از تحصیل است که در سال ۱۴۰۰ این شاخص برای کل کشور ۱۰.۴ درصد است و ما از این نظر وضعیت مناسبی داریم. البته همین تعداد کم هم باید مورد توجه قرار بگیرد. وی به شاخص عدم برخورداری از مدرک ابتدایی برای سنین ۱۲ تا ۱۷ سال اشاره کرد و گفت: این شاخص برای کل کشور ۰.۷۷ درصد است که این رقم هم به نسبت خوب است هرچند برای استانی مثل سیستان و بلوچستان با ۳.۹۹ درصد عدد بالایی است. پیروزرهای گفت: عدم برخورداری از مدرک متوسطه شاخص دیگری است که این شاخص برای کل کشور ۱۹.۴۳ درصد در سال ۹۸ بوده که به نسبت شاخص‌های قبلی وضعیت نامطلوب‌تری را نشان می‌دهد.

هشدار دامپزشکی گیلان برای پیشگیری از تب‌کریمه کنگو

گرت پایداری است در کارها شود سهل پیش تو دشوارها
پیرامون اهمیت ذهنیت رشد

یادمان استلا عبدالرحمان عمادی برگزار شد

مرگ ۱۶ هزار عضو حیات‌بخش در سال

تغییرات الگوی فصلی عامل نابودی گونه‌های زیست محیطی

دبیرسابق مرجع کنوانسیون تنوع زیستی کشور با بیان اینکه در کنار تنوع گونه‌ای، تنوع ژنتیکی نیز از اهمیت بالایی دارد که ضامن بقا و پایداری اکوسیستم‌ها است، اظهار کرد: حتی اگر یک گونه در طبیعت وجود داشته باشد، داخل آن زن‌های گوناگونی موجود است و این تنوع ژنی موجب ادامه حیات آن در شرایط متفاوت می‌شود.

وی با بیان اینکه علاوه بر تنوع ژن، تنوع اکوسیستم و تنوع گونه، ما توقع «کارکرد گونه‌ها» را نیز داریم، اظهار کرد: هر گونه گیاهی یا جانوری وظیفه خاص خود را در طبیعت انجام می‌دهد و دانشمندان نیز معتقدند که در هر منطقه که تنوع زیستی بیشتر باشد، پایداری آن منطقه و اکوسیستم بیشتر است.

کیادلیری ضمن بیان اینکه علاوه بر تنوع گونه‌ای و تنوع ژنتیکی، ۹ اکوسیستم هم تنوع داریم، افزود: ۹ بایوم از ۱۱ بایومی که در جهان وجود دارد در ایران هست. این اکوسیستم‌ها مخزنی از گونه‌ها و زن‌های مختلف هستند

وی با بیان اینکه از گذشته شرایط تنوع زیستی در جنگل‌های شمال مطلوب بوده است، ادامه داد: هرچه

قدمت اکوسیستمی بالا باشد، متقابلاً تنوع زیستی نیز در آن منطقه زیاد است. جنگل‌های شمال از یخبندان‌های چند هزارسال قبل جان سالم به در بردند و به دلیل قدمت چند هزارساله تنوع زیستی بالایی دارد. اقلیم مناسب نیز نقش مهمی در تنوع زیستی دارد. در این بخش، نوسان دمایی و کاهش بارندگی‌ها نقش مهمی ایفا می‌کند. مورد بعدی عرض جغرافیایی است که هرچقدر پایین‌تر باشد، تنوع زیستی بیشتر است.

دبیرسابق مرجع کنوانسیون تنوع زیستی کشور با اشاره به اینکه تنوع زیستی اقلیم مناسبی را فراهم می‌کند، افزود: امروزه متأسفانه اقلیم مناسب کشور در حال تغییر است یعنی نوسانات دمایی در حال افزایش و میزان بارندگی در حال کاهش است. این شرایط موجب نابودی بسیاری از گونه‌ها می‌شود. به‌طور مثال در شهرپورماه، قبل از موعد مقرر درختان خشک می‌شوند و کم‌آبی و به بهار سرمای هوا موجب خشکی برگ‌ها می‌شود. در واقع جابه‌جایی فصل‌ها و تغییر الگوی فصلی اتفاق افتاده است. با تغییر الگوها بسیاری از گونه‌ها نمی‌توانند خود را با شرایط جدید سازگار کنند و این وضعیت موجب آن‌ها می‌شود.

گیلان امروز- دبیرسابق مجمع کنوانسیون تنوع زیستی کشور با بیان اینکه دخالت‌های انسانی موجب تخریب اکوسیستم شده است، اظهار کرد: کشور ما در موقعیت خشک و نیمه‌خشک قرار دارد و در حال حاضر هم بیشتر تحت تاثیر خشکسالی قرار گرفته است علاوه بر آن اقدامات بشر، اکوسیستم‌ها را مستعد آسیب‌پذیری‌های بیشتری کرده است.

هادی کیادلیری در گفت و گو با ایسنا با بیان اینکه تنوع زیستی حکم بیمه را برای طبیعت دارد، درباره ارزش تنوع زیستی در اکوسیستم اظهار کرد: وقتی درباره اکوسیستم صحبت می‌کنیم یعنی سیستم طبیعت اجزای هدفمندی دارد که هر جزء نسبت به وظایفی که دارد، فعالیت می‌کند و اگر یک جزء از کار افتد، جزء دیگری جایگزین آن می‌شود. هرچقدر تنوع زیستی بیشتر باشد، آینده آن اکوسیستم بیشتر حفظ می‌شود.

دبیر سابق مجمع کنوانسیون تنوع زیستی کشور ادامه داد: هنگامی که حیوانات را هم از نظر تنوع زیستی تقسیم‌بندی می‌کنیم، هر کدام وظایف خود را دارند. به عنوان مثال اگر در بالای هرم حیوانات ببر و پلنگ به عنوان گونه‌های تاثیرگذار در

اکوسیستم قرار دارند، پایین هرم هم گونه‌هایی قرار دارند که در صورت نابودی کل هرم را تحت تاثیر قرار می‌دهند. به عنوان نمونه در چیش یک گنبد، آخرین اجر «تاج‌سنگ» نام دارد که در صورت برداشتن آن، کل گنبد خراب می‌شود. بعضی حیوانات هم مثل این اجر آخر وظیفه مهمی در اکوسیستم دارند و وظایف آن‌ها تنظیم میزان گونه‌های موجود در اکوسیستم است.

به گفته کیادلیری بسیاری از گونه‌های دیگر در طبیعت هستند که وظیفه آن‌ها ایجاد اکوسیستم جدید و تنظیم جمعیت اکوسیستم است. بسیاری از حیوانات در طبیعت بذرافشانی می‌کنند و موجب توزیع بذر در طبیعت می‌شوند. یکی از دلایلی که بلوط ایرانی کمتر بذرافشانی می‌کند، کم شدن سنجاب ایرانی است که بذر بلوط را در طبیعت پخش می‌کند. از دیگر دلایلی که بذر بعضی درختان پراکنده نمی‌شود، کاهش جمعیت بعضی پرندگان است.

وی ادامه داد: طبق مطالعات انجام شده، تنوع ژنتیکی بعضی از گونه‌ها در شمال کشور مثل «راش» کم شده است و این به دلیل کاهش جمعیت موشی است که بذر آن را در مناطق مختلف دفن می‌کرد و این بذرها جوانه‌زنی و رشد می‌کنند.

روایایی که در خاک افتاد و خاک شد

* محمد تقی مرتاض هجری



سقراط در ادامه راه و روش فلسفه‌اش که دستیابی به حکمت و آگاه ساختن بود به مرگ هم می‌پردازد و آن را با خودآگاهی تمام و با منطق مورد نظر می‌پذیرد. مرگ را که با پرسش و پاسخی همراه است با دیگران در میان می‌گذارد و از آن تعریف دیگر آرایه می‌دهد. آن چنان که در تاریخ چهره درخشانی با نگاه فلسفی از خود باقی می‌گذارد. مرگ بخشی از سرشت انسان‌هاست و مرگ اندیشی شیوه‌ای است که در هر زمان و در هر دوره تاریخی به گونه‌ای مطرح می‌گردد و زمینه ناخوشایندی را با خود همراه دارد. به ویژه زمانی که شایعه بیماری همه‌گیر و صعب‌العلاج افراد را به سوی مرگ و نیستی سوق می‌دهد و ذهن‌ها را با خود درگیر می‌سازد.

چه بسا پرسشی را مطرح نماید که: آیا ما هم می‌میریم؟ شکی نیست که هیچ‌کس را از مرگ بری نیست. همه می‌میرند و این سرنوشت محتوم هر موجود زنده است. مگر نه این است که گفته‌اند دنیای فانی را باید وا گذاشت و به سرای باقی شتافت. و عده‌ای که ابتدای جمله آن معلوم است. اما بخش دوم و پایانی آن بر کسی آشکار نیست و هرگز هم نخواهد بود و این خود داستانی است قدیمی و کهن و به قدمت اندیشه انسانی که با او زاده می‌شود و روزی هم با مرگ زندگی او پایان می‌پذیرد.

در مورد مرگ زیاد گفته‌اند و نوشته‌اند. آثار ادبی از نظم، نثر، قصه و داستان و در عرصه‌های نمایش و فیلم و موسیقی به کرات عرضه شده و گویای این اندیشه است که چگونه به مقوله مرگ پرداخته شده است. نه فقط در دوران معاصر که در روزگاران گذشته و زمانی که انسان‌ها در تمدن‌های ابتدایی با چنین نگرشی روبه‌رو بودند و برای رهایی از احساس ناخوشایند مرگ از افسانه و اسطوره کمک می‌گرفتند. اصولاً اسطوره‌سازی یک نیاز اجتماعی محسوب می‌شد، تا افراد از هر گروه و قشری و در هر دوره و عصری بتوانند آن را به گونه‌ای که خود لزوم آن را در زندگی احساس می‌کنند به‌کار گیرند. احساسی که با نوع نگاه آنها به زندگی و جامعه و در کارکرد اجتماعی اسطوره نمود پیدا می‌کرد. به ویژه جنبه‌های بسیار متنوع آن که در زمینه‌های مختلف آئینی، حماسی و فرهنگی عقاید افراد در جوامع کهن و ابتدایی را شکل می‌داد و به متحول سازی آنها کمک می‌کرد. از جمله در ساختار اجتماعی و نقش بدلی که بعدها به صورت پاره‌ای از باورها، معتقدات دینی و الهی درآمد.

بی‌شک دنیای گذشته را باید با اسطوره‌ها و افسانه‌ها شناخت که در زمان خود پدیده‌های آفرینش را از نگاه هستی‌شناسی برای انسان‌ها توجیه می‌کرد. اسطوره به نوعی یادآور و تکرار آموزه‌ای بود برای نسل‌های بعدی که باید در قبال پدیده‌ها چه کنند تا هم‌چون نیاکان خود زندگی را بطور مستمر ادامه دهند. و اینکه گذشتگان چگونه جهان را ساختند

و با نیروهای شر و اهریمن چگونه جنگیدند و قدرت خود را چگونه بر هستی مسلط کردند. همه این‌ها برمی‌گردد به زمان ازلی که خدایان در آن نقش داشتند. اما آن چه لازم به یادآوری است وجود فرهنگ‌های متنوعی است که هر یک اسطوره‌های خود را داشته یا به شکل تلفیقی از فرهنگ‌های دیگر وام گرفته است. به گونه‌ای که در روایات اساطیری کهن ایران ما ادبیات حماسی فارغ از حیثه دین و آئین و باورهای الهی مستقل از خدایان اساطیری به نوع دیگر دست پیدا کرد که سیر آن را باید در عرصه دیگر هم‌چون پهلوانان و شاهان بی‌جویی کرد.

در این راستا می‌توان به اسطوره‌های اشاره کرد که در جامعه کهن باستانی و در سه هزار سال قبل در کنار دو رود بزرگ دجله و فرات (بین‌النهرین) زمینهای را شکل داد و در تاریخ موجد تحول و حیات فرهنگی و اجتماعی گردید. اسطوره گیل گمش در قالب بزرگ‌ترین منظومه از قدیمی‌ترین ادبیات تمدن قدیم میراث گرانقدر از الواح پخته نقر شده به زبان آشوری را برای آیندگان بر جای گذاشت که بعدها نه فقط در گستره جهان قدیم نقش بسزایی داشت که در تمدن‌های بعدی نیز به صورت پاره‌ای از باورها و اعتقادات دینی درآمد و ماخذ همه آن افسانه‌ها و داستان‌هایی قرار گرفت که در ادیان مختلف آمده است.

اسطوره گیل گمش نخستین برخوردانسان با مرگ را از نظر فلسفی توضیح می‌دهد. اندیشه‌ای که در آن شکل بزرگ حیات انسانی در برابر سرنوشت را نابسامانی‌ها و تاکامی‌ها و تردید در تلاش به ادامه زندگی در سایه مرگ می‌داند. از سرزمین بی بازگشت و جهان زیرین نام می‌برد که بیرون آمدن از آن میسر نخواهد بود. به آیندگان نیز هشدار می‌دهد که باید مرگ را بپذیرفت و تسلیم شد. «من مرگ را باز دانستم، و هراس از مرگ را آموختم». ۱۰ عبارتی بن مایه منظومه گیل گمش را مرگ و نیستی شکل داده است. و این چیزی نیست که از آن به افسانه تعبیر گردد، بلکه واقعیتی است که همه انسان‌ها در سرانجام زندگی خود با آن روبه‌رو خواهند شد. مرگ در اسطوره گیل گمش همان سفر است. سفری که بازگشتی برای آن متصور نیست. «روزهای زندگی را به شماره دهند. اما روزهای مرگ را برنمی‌شمرند.» ۲

اسطوره و منظومه گیل گمش داستان مرگ و هراس است که همه قانون فراگیر جهان را از آن خود کرده است. وضعیت ماتمزمای کسانی را بازگو می‌کند که برای ابد در اندیشه تاریک و ظلمانی خود زندانی شده‌اند. «مرگ هراس انگیز، غایت هر زندگی است» ۳ باور این امر که نهایت هر چیزی در زندگی و حیات فراموشی مطلق برای همیشه و ابدیت است، به شخص اطمینان می‌دهد تا بیش از هر چیز به خود و زندگی بیندیشد. ذهن خود را از دنیای توهم و خیالات دور سازد، لحظات زندگی را با آرامش خاطر در دنیای حضور با نشاط و شاد بودن طی کند که سیر این آمدن، بودن، شدن چیزی نیست جز سرشت زندگی در راستای هستی بیکران برای اندیشیدن، فکر کردن و تجربه کردن. که خود نمونه‌ای است از درایت و گسترش اندیشه انسانی که با توجه به همین امور می‌تواند برای بسط و توسعه و تکامل زندگی جهانی پر از شگفتگی مدنیت بسازد. و چه باک اگر مرگ را به اندازه زندگی به موقع بپذیرا گردد. همان‌طور که در لحظات آخر و در پایان منظومه بدان اشاره شده است. «گیل گمش بر زمین افتاد تا بخصبید و ... مرگ در آغوشش شنید.» ۴ شماره‌های ۱- ۲- ۳- ۴- اشاره به متن منظومه گیل گمش دارد.

شرکت تولیدی و شیمیایی پارس سیمین
پارس سیمین تولید کننده انواع رنگ‌های ساختمانی صنعتی و رنگ‌های پودری الکترواستاتیک
نشانی: کیلومتر ۵ جاده رشت انزلی صندوق پستی ۱۱۴۱-۴۳۴۱۵
تلفن: ۲۱۶۶ و ۳۴۴۲۲۱۷۷ فکس: ۳۴۴۲۲۰۴۴
پست الکترونیک: info@parssimin.com, pars_simin@yahoo.com

مراکز معاینه فنی خودرو
برادران پوررستگار
همه روزه آماده خدمت رسانی به مشتریان و همشهریان عزیز می‌باشد
۱- رشت - روبروی فرودگاه خودروی سبک - مرکز ۳۴۰۴
۲- رشت - لاکان شهر خودرو سبک - نرسیده به تقاطع راه آهن مرکز ۴۴۶۳
۳- خمام - چوکام - خودروی سبک - مرکز ۳۴۰۱
۴- خمام - چوکام - خودروی سنگین - مرکز ۵۴۰۲
تلفن: ۵-۰۳۳۷۲۲۲۰ و ۵۰-۳۳۴۸-۳۳۴۰